ایرج دانایی فرد

ساده و بی‌آلایش. فرزند تاج. ژن خوب واقعی. چپ پای تکنیکی و قلدر. آرچی گمیل و اسکاتلند. زننده اولین گل تاریخ فوتبال ایران در جام جهانی. جوجه‌تیغی. بی‌توقع و متواضع.



می‌گویند که فرزندان بازیکنان بزرگ فوتبال دنیا هیچ‌گاه در فوتبال موفق نمی‌شوند و همیشه زیر سایه بلند پدر باقی می‌مانند اما ایرج دانایی‌فرد این کلیشه را بر هم زد. او یک ژن خوب واقعی بود. مردی که پدرش علی دانایی‌فرد یکی از بنیانگذاران باشگاه تاج به شمار می‌رفت که در فوتبال ایران آوازه بلندی داشت اما ایرج این سایه را کنار زد و خود بدل به یک برند در فوتبال ایران شد. ستاره‌ای متواضع، کم حرف اما در زمین تیغدار و باصلابت. همو که در نخستین حضور ایران در جام جهانی ۱۹۷۸ آرژانتین از روی نیمکت به زمین آمد، چهره شد، گل زد و نام خود را برای ابد به تاریخ سنجاق کرد. در بازی دوم ایران در ماردل پلاتا برابر اسکاتلند که گوش تکنیکی و بزرگش یعنی آرچی گمیل داشت، حشمت مهاجرانی دانایی‌فرد را پس از مشورت با چند مربی انگلیسی در دقیقه ۹۰ در ترکیب اصلی قرار داد تا با توجه به جنس فوتبالش ستاره اسکاتلندی را مهار کند. دانایی‌فرد نه تنها این مأموریت را انجام داد بلکه در نیمه دوم با یک نفوذ برق آسا و دریبل ۲ مدافع حریف دروازه اسکاتلند را گشود تا نخستین گل ایران در تاریخ جام جهانی ثبت شود. مردی که بعد از این بازی از سوی رسانه‌ها به جوجه تیغی معروف شد. نمایش درخشان دانایی‌فرد در جام جهانی سبب شد به تیم منتخب جهان برای بازی خداحافظی پله اسطوره برزیلی دعوت شده و در مقابل بزرگانی همانند پله و یوهان کرایف بازی کند. دانایی‌فرد در تندباد حوادث انقلاب ۵۷ به امریکا مهاجرت کرد و از فوتبال دور افتاد و بقیه عمر خود را به اداره یک فروشگاه وسایل ورزشی گذراند و دیگر حوالی فوتبال رؤیت نشد. سرانجام بواسطه نارسایی کبد در ۲۱ آذر ۱۳۹۷ در بیمارستان نمازی شیراز درگذشت.



ابراهیم آشتیانی

فرزند مکتب شاهین. اولترا راست. زوج علی پروین. تکنیکی، گلساز و باهوش. بهترین بازیکن جام ملت‌های آسیا. تحصیلکرده، متین و خوش صحبت. هامبورگ و استوک سیتی. استاد دانشگاه.



ابراهیم آشتیانی از فرزندان مکتب شاهین بود و همانند بقیه همدوره‌ای‌ها و هم‌تیمی‌هایش اخلاق، تواضع وتحصیلات را مقدم بر فوتبال می‌دانست. دفاع راست سنتی که در شاهین چهره شد و با پرسپولیس اوج گرفت و در کنار علی پروین زوج مخوفی را ساخت که قریب به یک دهه کانال راست تیم ملی را قرق کرد و در آسیا به هیچ تیمی رحم نمی‌کرد. او در سال ۱۳۵۰ در ترکیب پرسپولیس در یک بازی دوستانه مقابل هامبورگ به اندازه‌ای درخشید که بلافاصله بعد از بازی مسئولان باشگاه هامبورگ پیشنهاد به خدمت گرفتن این مدافع ۲۵ ساله را به مسئولان پرسپولیس دادند که البته کارشکنی‌ها مانع این انتقال شد. آشتیانی در سال ۱۳۴۸ برای اولین بار توسط رایکوف به تیم ملی دعوت شد و در مسابقات جام ملت‌های آسیا ۱۹۷۲ به مقام قهرمانی دست یافت و به عنوان بهترین بازیکن این مسابقات نیز انتخاب شد. سپس صعود به المپیک ۱۹۷۲ مونیخ را تجربه کرد. گل صعود تیم ملی به المپیک مونیخ با پاس او به دست آمد. درخشش در این تورنمنت دومین پیشنهاد اروپایی را برای آشتیانی به همراه داشت و باشگاه استوک سیتی خواستار جذب او شد.



سال ۱۳۵۳ و در آستانه نخستین حضور تیم ملی ایران در رقابت‌های مقدماتی جام جهانی ۱۹۷۴ در حالی که فقط ۲۹ سال داشت، در دیدار با کره جنوبی از تیم ملی خداحافظی کرد و هر چه محمود بیاتی سرمربی وقت تیم ملی به او اصرار کرد تا برای این بازی‌ها در تیم ملی بماند، آشتیانی نپذیرفت. ستاره پرسپولیس بعد از آویختن کفش‌ها به مربیگری روی آورد اما دوران او کوتاه بود. دو دوره کوتاه در پرسپولیس و سپس تیم امید و پورا. او همچنین یک دوره سرپرستی پرسپولیس در سال ۸۰ را تجربه کرد. او در تمام سال‌های طولانی بعد از انقلاب بیشتر سراغ تدریس رفت. آشتیانی در ۲ آبان ۱۳۹۶ به علت عارضه قلبی درگذشت.

پرویز دهداری

معلم اخلاق. استاد. اصولگرا و متعهد. از شاهین به شاهین. اولین مربی تاریخ پرسپولیس. استعفای گروه ۱۴. گلوله‌های برفی.



پرویز دهداری زاده آبادان؛ مردی از مکتب شاهین که فوتبال را با شاهین آبادان آغاز کرد و با شاهین تهران تمام نمود تا وفاداری خودش را به این مکتب نشان دهد. مردی که اخلاق برای او ورای کیفیت فنی اهمیت داشت و تحت هیچ شرایطی از آن عدول نمی‌کرد تا به یک مربی خشک و غیرقابل انعطاف شهره باشد. دهداری بیش از دوران بازی، در عصر مربیگری چهره شد. مردی که نخستین مربی تاریخ پرسپولیس به شمار می‌رفت و در دو مقطع روی نیمکت تیم ملی فوتبال ایران نشست. دهداری در سال ۱۳۵۰ در ۳۸ سالگی سرمربی تیم ملی شد و توانست ایران را به بازی‌های المپیک مونیخ ۱۹۷۲ برساند اما پیش از مسابقات به دلیل اختلاف با دستیارش محمد رنجبر کناره‌گیری کرد. پس از ۱۴ سال او در بازی‌های آسیایی ۱۹۸۶ سئول و جام ملت‌های آسیا ۱۹۸۸ قطر هدایت تیم ملی را بر عهده گرفت و تیم را به رتبه سوم رساند. اما بیشتر از این موفقیت حواشی پیرامون او بولد شد. جایی که بعد از بازی‌های آسیایی سئول ۱۴ نفر از بازیکنان تیم ملی به علت اختلاف با او و کادر فنی‌اش استعفا دادند تا ناگهان تیم ملی از ستاره‌ها تهی شود.



در بهار ۱۳۶۴ و در گرماگرم جنگ، ایران در اعتراض به تصمیم فیفا مبنی بر بازی در زمین بی‌طرف از حضور در انتخابی جام جهانی ۱۹۸۶ انصراف داد تا تیم دهداری فرصت حضور در جام جهانی مکزیک را از دست بدهد. ۴ سال بعد و در آستانه برگزاری انتخابی جام جهانی ۱۹۹۰ ایتالیا و در یک روز سرد زمستانی، ایران در یک بازی دوستانه در تهران به مصاف ژاپن رفت و در یک نمایش انتقادآمیز به تساوی ۲-۲ رسید تا تعدادی از تماشاگران معترض به دهداری گلوله‌های برفی پرتاب کنند؛ اتفاقی که سبب شد دهداری بلافاصله استعفا داده و دستیارش رضا وطنخواه هدایت تیم ملی را بر عهده بگیرد.

دهداری سرانجام در ۳ آذر ۱۳۷۱ به دلیل عارضه کلیوی درگذشت.